

«مقاله پژوهشی»

تحلیل کمی و کیفی کاربرد آیات و روایات در آثار عرفانی شاه نعمت الله ولی کرمانی

ناصر محمدی^۱، قوام رضا میرحسینی^۲، حسن عباسی^۳، مرضیه اخلاقی^۴

۱. استاد گروه فلسفه دانشگاه پیام نور تهران ایران naser_mohamadi@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه پیام نور تهران ایران. g.mirhosseini@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه پیام نور تهران ایران. abasi.1374@yahoo.com

۴. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه پیام نور تهران ایران. akhlaghi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

The Quantitative and Qualitative Applying of Verses and Hadiths in the Mystical Works of Shah Nematullah Vali Kermani

Naser Mohammadi¹, Qavamreza Mirhosayni², Hasan Abbasi³, Mavzieh Akhlaghi⁴

1. Professor of Philosophy, Payam Noor University, Tehran, Iran. naser_mohamadi@pnu.ac.ir

2. Ph.D. student of Philosophy, Payam Noor University, Tehran, Iran. g.mirhosseini@yahoo.com

3. Associate Professor of Philosophy, Payam Noor University, Tehran, Iran. abasi.1374@yahoo.com

4. Associate Professor of Philosophy, Payam Noor University, Tehran, Iran. akhlaghi@pnu.ac.ir

چکیده:

Abstract

The widespread use of verses and hadiths in the poetic and prose works of Shah Nematullah Vali shows his great affinity with the holy Quran and Hadith. The issue of the present research is how the Shah used verses and narrations in his works and what goals he pursued. Shah has used verses and narrations with the various literary techniques such as terseness, allusion, implication, and analysis for aspect of appearance and literary and for the beauty and solidity of his words. In such a way that his excellent and simultaneous hegemony of the literature and science of the holy Qur'an and interpretation is obvious. But in terms of content, beyond the unique quantity of verses and hadiths in the works of poetry and prose of Shah, this quantity has served three main purposes. The first is the mystical interpretation of the verses in the form of a subject-oriented interpretation, the second is the explanation of theosophical phrases, culture and knowledge, which in this way increased their acceptance among the people. The third is the explanation of ethics vices and virtues. In other words, the explanation of practical theosophy and gnostic spiritual journeying and wayfaring. Totally, the quantity and quality of the applying verses and narrations by Shah is a complete model of religious mysticism that considers itself to be bound by religious texts, but with its own mystical interpretations.

کاربرد گسترده آیات و روایات در آثار منظوم و منثور شاه نعمت الله ولی، نشان از انس فراوان او با قرآن و حدیث است. مسئله تحقیق حاضر این است که شاه در آثار خود از آیات و روایات به چه راه‌هایی بهره برده است و چه مقاصدی را دنبال می‌کرده است. شاه از جنبه‌های ظاهری و ادبی و برای زیبایی و هم اتقان کلام خود از آیات و روایات به کمک فنون مختلف ادبی چون اشاره، تلمیح، تضمین و تحلیل استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که تسلط شگرف و همزمان او به ادبیات و علوم قرآن و تفسیر هویدا است. اما از جنبه محتوایی گذشته از کمیت بی نظیر آیات و احادیث در آثار منظوم و منثور شاه، این کمیت در خدمت سه هدف عمده بوده است. نخست تفسیر و تأویل عرفانی آیات در قالب یک تفسیر موضوع محور؛ دوم تبیین اصطلاحات و فرهنگ و معارف عرفانی که از این طریق مقبولیت آن‌ها را در میان مردم بیشتر می‌کرده است؛ و سوم شرح و تبیین فضایل و رذایل اخلاقی و به بیان دیگر، تبیین عرفان عملی و سیر و سلوک عارفانه. در مجموع کمیت و کیفیت به کارگیری آیات و روایات توسط شاه، الگوی تمام عیار عرفان دینی است که خود را مقید به نصوص دینی؛ اما با تأویل‌های عرفانی ویژه خود می‌داند.

Keywords: Shah Nematullah Vali, Mystical Interpretation, Mystical Literature, Embellishment.

کلیدواژه‌ها: شاه نعمت اله ولی، تفسیر عرفانی، ادبیات عرفانی، صنعت بدیع.

مقدمه

شاه نعمت الله ولی از عرفای بزرگ قرن هشتم و نهم (ه.ق) مطابق با قرن - ۱۴ - ۱۳ م می باشد. او تصوف ایرانی را توأم با شریعت اسلامی به مرحله تازه‌ای رهنمون نمود که پیروان سایر طریقت‌ها را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. (حقیقت، ۱۳۸۳، ص: ۱۳۰)

نام شاه در اکثر منابع و تذکره های موجود، نعمت الله و لقب اصلی او نورالدین بوده چنان که خود در این باره می گوید:

نعمت الله نوردین دارد لقب

نور دین از نعمت الله طلب

(شاه ولی، ۱۳۶۸، ۷۰)

القاب معروف دیگر که به مناسبت مقام ولایت و قطبیت به او داده‌اند: ولی، شاه؛ و امیر است و چون در شعر سید تخلص می‌کرده او را سید نیز خوانده‌اند. او در شعر دو تخلص داشته یکی نعمت الله و دیگر سید چنانکه در اشعارش آمده است:

نعمت الله مست و جام می به دست

جاودان در بزم سرمستان خوش است

(شاه ولی، ۱۳۶۸، ص: ۱۰۹)

سید کوی خرابات و حریف عشقم

گوشه مملکت خود به جهان نفروشم

(شاه ولی، ۱۳۶۸، ص: ۳۹۴)

شاه نعمت الله ولی را جزء شاعران و نویسندگان کثیر الآثار می‌شناسند چنانکه گویند: «مسموع نشده که کسی را، به واسطه کثرت رسائل و فواید از نظم و نثر، توفیق جمع مجموع مصنفات و مؤلفات آن حضرت میسر شده باشد.» (فصلی از جامع مفیدی، ۱۳۶۱، ص: ۱۱۳) نکته قابل تأمل که نشان از تأثیر قرآن بر شاه نعمت الله ولی دارد، در بسیاری از منابع تعداد

رساله‌های او را ۱۱۴ رساله به عدد سوره‌های قرآن یاد می‌کنند. به غیر از رسائل، دیوان اشعاری که محتمل بر بیش از ۱۵۰۰ غزل، یک ترجیع، ۵۴ مننوی و تعداد بی شماری قطعات دوبیتی و رباعی می‌باشد. دیوان اشعار او مشحون از مبنای عرفان نظری خصوصاً با موضوع وحدت و وجود است:

اگر موج است، اگر قطره، به عین ما همه آب است

اگر تو آبرو جویی، بجو از آبروی ما

(شاه ولی، ۱۳۶۲، ص: ۵۲)

ناگزیر از بیان این موضوع می‌باشیم که بسیاری از ابیات در غزلیات او تکراری می‌باشند.

شاه از پیروان سبک عراقی است. غالب بودن قالب غزل در دیوان اشعار و رواج مضامین عرفانی و وفور آیات واحادیث در آثار منظوم و حتی منثور که از ویژگی‌های سبک عراقی می‌باشد، بخوبی در آثار او مشاهده می‌گردد. وجه بارز و متفاوت او با سایر بزرگانی چون خواجو و حافظ این است که شاه تعلیم مراتب عرفان و حالات و مقامات عارفانه را جایگزین ادبیات عاشقانه و عارفانه ماقبل خود نموده است (ذاکری، ۱۳۸۳، ص: ۱۷۹) همراهی ادبیات تعلیمی با مضامین اخلاقی در آثار شاه یکی از نمونه‌های بارز مکتب تعلیمی شاه می‌باشد:

عمر ضایع مکن به یکباری

عمل آور حیل چه می آری

(شاه ولی، ۱۳۶۸، ص: ۵۵۲)

زبان شعری او ساده و صمیمی است و آثارش از آنجا که در بردارنده مبنای عرفان نظری است از لحاظ درک مفاهیم دچار پیچیدگی‌های خاص خود می‌باشد. شاه به مانند سایر اقطاب و پیران الفت و انسی قوی با قرآن مجید داشته است که به طور آشکار گاهگاه آیات قرآن

ادامه دهنده راه مفسرین عرفانی قرآن، چون ابن عربی، عبد الرزاق کاشانی و میبیدی باید دانست

۱- تأثیر پذیری شاه از مشایخ عرفان و تصوف

شاه از بزرگان عرفان و تصوف چون ابن عربی و بایزید بسطامی متأثر بوده است و در عرفان نظری و عملی طریقه ایشان را پیموده است.

۱-۱- ابن عربی

ابن عربی پدر عرفان اسلامی است و از مباحث مهمی که بر آن تاکید دارد وحدت وجود می‌باشد. شاه در رسائل خود به شرح آراء و اندیشه‌های ابن عربی پرداخته است. شاه همه دعاوی و آراء شیخ رابی چون و چرا پذیرفته است و هر جا که نام وی را بر زبان رانده است از تکریم و تعظیم فراوان و یفر و گذارنوده است. چنانکه در رساله جواهر در ترجمه فصوص الحکم درباره ابن عربی نوشته است: «حضرت شیخ المحققین، رضی الله عنه، به طریق کشف و عیان ارواح جمیع انبیاء علیهم السلام، مشاهده فرمود...» (شاه ولی، ج ۴، ۱۳۵۷، ص: ۴۳۸) و یا در جای دیگر می‌فرماید:

همه عالم خیال او گفتم

باز دیدم خیال او بود

ما خیالیم و در حقیقت، او

جز یکی در دوکون دیگر کو...

این ابیات در شرح ابیات ابن عربی است که فرمود:

«انما الكون خیال وهو حق فی الحقیقه ووالذین یفهم هذا حازالسحر الریقه. به این ترتیب شاه نعمت الله مانند ابن عربی کون را خیالی بیش نمی‌داند اما در عین حال، آن را حقیقت می‌داند.» (ندری ایبانه، ۱۳۸۳، ص: ۴۶۶)

۲-۱- بایزید بسطامی:

شاه نعمت الله ولی از بایزید مؤسس مکتب طیفوریه یا صراحتاً با ذکر نام او یا با کنایه و بدون ذکر نام، از او

را به صورت درج و حل و... به کار می‌برد. غزل ذیل از شاه که تمامی اشاره به آیات مختلف قرآن دارد گواهی محکم بر تسلط و حافظ قرآن بودن شاه دارد:

ورد صاحب نظران فاتحه روی تو باد

قل هو الله احد حرز دو ابروی تو باد

جاء نصر الله ای شاه چو بنمودی روی

آیت الکرسی تعویذ دو گیسوی تو باد

والضحی روی تو آمد سر زلفت واللیل

آفرین بر سر زلف تو و بر روی تو باد

ترک والشمس که بر جمله افلاک شه است

لیتنی کنت ترابا زده، هندوی تو باد

فتح و یاسین و تبارک طرف آخر حشر

این چهار آیت حق بندد و باز ویتوباد...

(شاه ولی، ۱۳۸۲، ص: ۲۱۱)

عبد العزیز بن شیر ملک واعظی در خصوص تسلط و میزان آگاهی شاه بر قرآن کریم با ذکر این موضوع که شاه از همان اوان کودکی از هوش و استعداد ذاتی در آموختن علوم خصوصاً حفظ قرآن کریم برخوردار بوده است: «در آغاز تعلیم چون او را به مکتب بردند، بعد از فراگرفتن حروف از لحاظ طرق استماع الفاظ و ادراک تعلیم و حافظه و درک اعراب مورد، شگفتی اساتید شد و در کودکی قرآن مجید را حفظ کرد.» (ملک واعظی، ۱۳۶۱، ص: ۲۷۷)

نکته قابل توجه و وجه تمایز شاه با دیگر بزرگان در بکارگیری آیات و روایات علاوه بر یک شاخص از انواع ادبی _ بدیع_ این است که مضامین و آموزهای عرفان نظری را با بهره گیری از قرآن و حدیث به سالکان طریقت عرضه نموده است. تأویلات و تفاسیر عرفانی شاه از آیات و روایات ضمن آنکه از میزان انس و تسلط او بر علوم قرآنی خبر می‌دهد بدون شک او را

یاد کرده است (شوتس، ۱۳۸۳، ص: ۹) وحتی غزلی با ردیف بایزید دارد:

آفتاب چرخ معنی بایزید

سایه خورشید اعلی بایزید

سید از صاحب‌دلانی لاجرم

کرده برجانت تجلی بایزید

(شاه ولی، ۱۳۸۲، ص: ۲۵۵)

به هر جهت برای عرفان شاه سه بُعد متصور است: اول عرفان نظری که متأثر از ابن عربی است. دوم عرفان عملی که پیرو بایزید بسطامی است و سوم عرفان رندی و عاشقانه شاه. (همان منبع ص: ۲۲) به هر صورت دیدگاه این دو عارف بزرگ بدون شک در نگاه شاه ونحوه اثر پذیری او از آیات و روایات بی تأثیر نبوده است؛ چنانچه در تعلیم عرفان نظری ابن عربی تمامی سعی خود را نموده تا با به کار گیری آیات و احادیث مختلف وبا تفسیر وتأویل هایی شبیه به ابن عربی به تبیین مبانی عرفان نظری بپردازد. والبتة نگاه عاشقانه محور شاه به کلام الهی و احادیث مأثوره، متأثر از دیدگاه بایزید می‌باشد، که پرداختن به آن فرصت ومجال بیشتری می‌طلبد.

۲- تأثیر پذیری ادبیات عرفانی شاه از قرآن و حدیث

ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که چرا عرفای شاعر و جویندگان مکاتب عرفانی چون شاه ولی سعی نموده‌اند کلام خویش را به آیات واحادیث مزین نمایند؟

علل گرایش و تأثیر پذیری نویسندگان و شعرای ایرانی از قرآن را چنین آورده‌اند:

۱-۲. از آنجا که شعر و کلام ادبی تأثیر بسیار شگرفی در بیان عقاید، ترویج و تبلیغ مذهب و حتی ادیان داشته است و از طرفی قرآن و حدیث به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی که در میان مسلمانان دارند،

شاعران و ادیبان برای تحکیم و اثر بخشی بیشتر عقاید خود و ترویج آن در میان مردم سعی می‌نمودند در کلام خود از آیات قرآن و احادیث، بیشتر استفاده نمایند.

۲-۲. اخلاق، یکی از مضامین و موضوعات مشترک در میان اکثر شعرا و نویسندگان ادوار مختلف بوده است و از آنجا که کلام الهی و سخنان معنوی معصومین و اولیا مشحون از مضامین اخلاقی می‌باشند، تمامی شاعران و نویسندگان سعی بر این داشته‌اند که با بهره گرفتن از کلام خداوند متعال و احادیث رایج و معتبر، مردم را به فضیلت‌های اخلاقی دعوت نمایند.

۳-۲. از قرن ششم با رواج تصوف و عرفان، شعر و متون ادبی به عنوان جلوه گاه و خاستگاه تفکر عرفانی و طریقی برای بیان راه و رسم سیر و سلوک و حتی طرح اسرار و ابزاری برای ترویجی مکتب عرفانی قرار گرفت. شاعران و ادیبان در این راه سعی کردند کلام خود را با نقل آیات و احادیث اتقان بیشتری بخشند تا از این طریق بتوانند ضمن هدایت سالکانه خود، تشنه لبان مکتب‌های عرفانی را بدین طریق سیراب نمایند. (نقل به مضمون، راستگو، ۱۳۹۳، ص: ۷)

شاه به همه دلایل فوق الذکر از قرآن و حدیث در آثار عرفانی خود بهره برده است. از سوی دیگر از شیوه اثر پذیری شاعران و نویسندگان از قرآن و حدیث یا به عبارتی انواع استفاده از قرآن و حدیث در نظم و نثر با استفاده از علم بدیع و صناعات معنوی چون اشاره، تلمیح، تضمین و حل در کتب و مقالات مختلف با عنوان تجلی آیات و احادیث در ادب فارسی بحث شده است. در اینجا قبل از بیان هر یک از صناعات ادبی و ذکر مصادیق و شواهد عینی آن در دیوان و رسائل شاه نعمت الله ولی به دو نکته قابل توجه و مهم باید اشاره کرد:

جای جای رسائل خود با آوردن سخنانی از بایزید به نوعی ارادت و مریدی خویش را به او نشان داده است. در نتیجه تمامی مساعی خود را بر آن داشته تا از آیات، احادیث و حتی سخنان بزرگان به گونه‌ای استفاده کند که بتواند کلام خود را اتقان و استواری بیشتر ببخشد. به عنوان مثال یکی از این مباحث وحدت وجود است که در تبیین آن از تمثیلی چون نور استفاده کرده است. بر همین اساس آیه ۲۵۷ سوره بقره "اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ" با بیش از ۲۳ بار بیشترین فراوانی و استناد را در میان سایر آیات قرآن داشته است و یا بحث مبدأیت حق تعالی و اینکه همه اشیاء به او منتهی می‌گردند، از مباحث رایج در تفکر ابن عربی و بالطبع شاه ولی است. تجلی آیه ۳ سوره حدید: "هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ" در آثار شاه نعمت الله ولی دلیل محکمی بر اندیشه وحدت‌گرای اوست.

بدین ترتیب سراسر آثار منظوم و منثور شاه نعمت الله ولی مملو و مشحون از اثر پذیری او از آیات و احادیث قرآن به اشکال مختلف (تلمیح و اشاره، تضمین، تحلیل و...) - می‌باشد بطوریکه رسیدن به یک عدد کمی دقیق از فراوانی آن‌ها امری بسیار سخت می‌نماید. دست کم می‌توان به یقین گفت بررسی این امر در دیوان اشعار او به دلیل کثرت ابیات و اشعار دشوار است.

۱-۳. آیات

شاه بیش از ۱۱۸۴ بار آیات قرآن را به عنوان شاهد آورده است. بعضی از این آیات یک بار و بعضی بیش از یک بار به عنوان نمونه و شاهد مدعا آورده شده‌است. نتایج آماری ذیل در باره آیاتی است که بیش از سه بار در آثار منثور شاه ذکر شده‌اند:

الف) اثر پذیری از قرآن و احادیث به صورت آشکار در آثار شاعران و نویسندگان وجود دارد به عبارتی همان ساختار عربی کلام الهی یا حدیث در آثار آورده شده است. (راستگو، ۱۳۹۳، ص: ۸)

ب) گوینده، مضمون یا تصویری از آیات و احادیث را در سروده و نوشته خویش می‌آورد. به عبارتی این اثرپذیری پوشیده و پنهان است. نکته قابل توجه و وجه اشتراک هر دو شیوه اثر پذیری این است که برای دستیابی به کلام متقن و همچنین درک و معنی دقیق آن داشتن علم و اطلاعات در حوزه علوم قرآنی و حدیث برای متکلم و خصوصاً نویسنده و شاعر لازم و ضروری می‌باشد.

۳- تحلیل کمی آیات و احادیث وارده در آثار شاه نعمت الله ولی

آنچه را که به عنوان وجه تمایز این مقاله با دیگر مقالات مشابه می‌توان ذکر کرد، تحلیل و بررسی کمی و کیفی میزان اثربخشی آیات و احادیثی است که شاه نعمت الله ولی برای بیان عقاید و نظریات خود به آن‌ها استناد کرده است.

همانگونه که بسیاری از خوانندگان و محققان بزرگوار به آن اطلاع و اشراف کامل دارند، شاه نعمت الله ولی عارف بزرگ سده هشتم از بزرگترین شارحان نظریه وحدت وجود ابن عربی می‌باشد و این به خوبی در آثارش مشهود می‌باشد.

به عقیده بسیاری شاه در عرفان نظری به شیخ محی الدین عربی تأسی و اقتدا نموده است (فرزام، ۱۳۷۴، ص: ۴۷) و از جهتی ایشان پیرو مکتب سکر و مستی و از علاقمندان بایزید بسطامی می‌باشد و در

ردیف	شماره آیه	شماره سوره	متن آیه	تعداد استناد	موضوعات برگرفته از آیات
۱	۲۵۷	۲	اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ	بیش از ۲۳ بار	تجلی ذات الهی
۲	۳	۵۷	هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ	بیش از ۲۲ بار	هویت الهی، وحدت وجود
۳	۸۸	۲۸	كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ	بیش از ۲۲ بار	واجب الوجود، علومکانت
۴	۳۱	۲	عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا	بیش از ۲۱ بار	تجلی اسماء، تقریر اسماء، انسان کامل
۵	۲۹	۵۵	كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ	بیش از ۲۱ بار	قوس نزول، نفس منطبعه، احدیت، شئون حق
۶	۴	۵۷	هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ	بیش از ۲۰ بار	حضور، وحدت ذاتیه در کثرت خلقیه، احدیت و واحدیت
۷	۱۰۳	۶	لَا تُذَكِّرُهُ الْأَبْصَارُ ...	بیش از ۱۹ بار	رؤیت نور مطلق در حالت تنزل در مظاهر
۸	۹۷	۳	فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ	بیش از ۱۶ بار	فقر، غنا، فقر وجودی، غنای مطلق
۹	۱۱	۴۲	لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ	بیش از ۱۵ بار	تنزیه، مقام احدیت
۱۰	۵۹	۶	وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ	بیش از ۱۱ بار	اسماء ذاتیه الهیه، فیض اقدس
۱۱	۱۵	۴۰	رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ	بیش از ۹ بار	مقام تعیین، بحث وجود، وحدت وجود و مراتب وجود، انسان کامل
۱۲	۳۷	۱۴	آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ	بیش از ۹ بار	قضا، فیض اقدس به قدر استعداد
۱۳	۸۲	۳۶	إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا	بیش از ۸ بار	کلام حق و اراده و قدرت الهی
۱۴	۲۹	۱۵	فَإِذَا سَوَّيْتَهُ ...	بیش از ۶ بار	روح اعظم، نفس الرحمن، غیب و شهادت
۱۵	۵۳	۴۱	سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا	بیش از ۵ بار	معرفت شناسی، معرفت صغیر و معرفت کبیر
۱۶	۹۴	۳۷	وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ	بیش از ۴ بار	جبر و قدر، لطیفه عقل، اخلاق

۲-۳. احادیث

گفت که در دیوان نیز کم و بیش همین آیات و احادیث

تجلی یافته است.

در مجموع رسائل شاه ۶۷۱ بار از احادیث و سخنان بزرگان بهره برده شده است که از این میان، احادیث ذیل با بیش از ۴ بار تکرار، بیشترین فراوانی را در آثار شاه دارند.

قبل از آنکه میزان اثر پذیری شاه در حوزه حدیث از نظر کمی مورد بررسی قرار گیرد باید یاد آور شد، آمار بر اساس رسائل شاه نعمت الله ولی بوده و چنانچه بخواهیم در دیوان شاه نیز به این آمار دست پیدا کنیم کاری صعب و دشوار است. اما بدون تردید می توان

ردیف	متن حدیث	تعداد استناد	موضوعات برگرفته از احادیث
۱	أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي	۲۷	روح محمدی، تجلی ذات الهی، واحدیت، انسان کامل (حقیقت محمدیه)
۲	إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَدْمَعْلَى مَسُورْتِهِ ،	۲۲	جامع جمیع صفات الهی، انسان کامل
۳	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ بِحَبِّ الْجَمَالِ	۱۹	کمال ذات الهی، اظهار کمال وجود با گشودن خزائن جود
۴	كُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًا	۱۴	مکاشفه، معرفت، احادیث الجمع
۵	كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ	۱۲	شوارق تجلیات ذاتیه به بصر در عالم جبروت، مشاهده نور حقیقی در مراتب ظاهر، الهام
۶	كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ	۸	بحث وجود، مرتبه احادیث
۷	قَالَ النَّبِيُّ: لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ	۸	صفت سمیع بودن، اخلاق
۸	كَتَبْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ	۷	انسان کامل، کون جامع
۹	تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ	۷	انسان کامل، موحد، توحید، ولایت
۱۰	مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ	۶	غیبت، حضور، مشاهده حق به حق
۱۱	لَا نَبِيَّ بَعْدِي	۴	نبوت منتهای، رسالت، ولایت نامتناهی
۱۲	إِنَّ اللَّهَ وَثَرٌ، بِحَبِّ الْوَثْرِ	۴	واحد، مراتب وجود، وحدت وجود
۱۳	لَيْسَ فِي الْإِمْكَانِ عَبْدٌ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ	۴	مشاهده حق در عالم ظاهر، وجود، مراتب وجود
۱۴	قَالَ النَّبِيُّ ص: مَا وَسَعْتِي أَرْضِي وَ لَأَسْمَاتِي وَلَكِنْ يَسْعَتِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ النَّفْيِ النَّقِيِّ	۴	رحمت لایتناهی، هدایت، قلب
۱۵	أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلُ	۴	حقیقت محمدیه، عقل اول، اعیان تابه، فیض مقدس، فیض اقدس

۴- تحلیل کیفی میزان اثرپذیری شاه نعمت الله ولی از قرآن و حدیث

در قرن هشتم رشد عقاید علمی و فلسفی و مخصوصاً تحول و تکامل عرفان در طی چند قرن تا عصر شاه نعمت الله ولی و علاقه شدید مردم و حتی امرا و پادشاهان به عرفا و پیشوایان تصوف ایجاب می‌کرد که شاه ولی و امثال او برای تحقق بخشیدن به مقام معنوی خویش و دلنشین ساختن اصول عقاید عرفانی به أدله منطقی و فلسفی و براهین شرعی و عرفی و علوم و فنون متداول، آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند وظیفه تعلیم و ارشاد را که به عقیده خود، به الهام ربانی بدان مأمور شده بودند به نحوی شایسته و مطلوب انجام دهد. (فرزام، ۱۳۷۴)

شاه نعمت الله ولی به همین نیت برای تحصیل علوم، خصوصاً علوم قرآنی تلاش بسیار کرده است تا بتواند به وظیفه اصلی خود بپردازد.

تأثیر پذیری و بهره‌گیری شاه نعمت الله ولی از قرآن و حدیث از دو جهت قابل بررسی می‌باشد: ۱- ارائه تفاسیر و تأویل‌های موضوعی از آیات با صبغه عرفانی ۲- استفاده از آیات و احادیث بکارگیری صنایع ادبی و فن بدیع

تفسیر و تأویل‌های موضوعی شاه عمدتاً به سه دسته مختلف تقسیم می‌شوند که هر کدام زیر مجموعه خاص خود را دارد از جمله: ۱- تأویل و تفسیرهای عرفانی ۲- شرح اصطلاحات و مفاهیم عرفانی ۳- بکارگیری مضامین اخلاقی

۴-۱- تفسیر و تأویل‌های موضوعی آیات

همان گونه که گفته شد، کسب علوم خصوصاً علوم قرآنی و حفظ قرآن مجید بزرگ‌ترین شاخص و ویژگی شاه و ابزار و تخصص او در کشف معانی قرآن و تأویل

آیات براساس عقاید عرفانی خود می‌باشد به گونه‌ای که در سراسر آثار منتشر او تفاسیر عرفانی و همچنین تاویلات باطنی از آیات مشاهده می‌گردد. چنانچه خود در تأویل و ضرورت این امر باستناد به آیه ۷ سوره آل عمران می‌گوید: شاه نعمت الله ولی معتقد است هر حرف معنای خاصی دارد و آگاهی بر ظاهر این ۷۸ حروف مختص جانشین واقعی خداوند یا همان انسان کامل است و آگاهی بر باطن و معنای واقعی حروف از اختصاصات حق جل و علا می‌باشد و خداوند چنانچه اراده نماید به خلیفه الله این آگاهی را می‌بخشد كما قال جل جلاله: وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (آل عمران / ۷) که خلفای حقاند و این علم در اوراق کشف و کتاب کشف نوشته‌اند و نخوانده‌اند؛ بلکه به کشف ربانی و تعلیم سبحانی خلیفه‌الله معلوم باشد. (شاه ولی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۱۰۴) در مبحث تحلیل کمی بکارگیری آیات و روایات با بخشی از عناوین موضوعات تفسیری مورد علاقه و عنایت شاه که دارای فراوانی بیشتری بودند آشنا شدیم.

و سرانجام تألیف چهار رساله اختصاصی در حوزه تفسیر و تأویل با عنوان‌های: «در تأویل فاتحه الکتاب، در تفسیر سوره اخلاص، در تفسیر آیه الله نوره السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، رساله‌ای در حروف مقطعه و رساله در سجدهات کلام الله». (نوربخش، چاپخانه موسوی، ۱۳۳۷، ص: ۱۲۵) یکی دیگر از جهات توجه و تأثیر پذیری شاه به خصوص در حوزه تفسیر و تأویل می‌باشد.

۴-۲- تأثیر آیات و روایات در تبیین اصطلاحات عرفانی

شرح هر یک از اصطلاحات عرفانی ذیل توسط شاه نشان از تأثیر پذیری او از قرآن و حدیث دارد:

۴-۲-۱. اول و آخر

ظاهر به هر مظاهر و باطن زعقل و وهم

آخر به صورت‌اند و به معنی مقدم‌اند

در این بیت شاه با استفاده از آیه ۳ سوره حدید "هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" به دو مسئله مهم ازلی و ابدی و همچنین بحث اینکه آنچه در این دنیا است صورت است و حقیقت آن در آخرت می‌باشد می‌پردازد.

همچنین در رساله عیون با استناد به آیه فوق (آیه ۳ سوره حدید) به این موضوع اشاره می‌کند که وجود ظاهر می‌شود به صورت اضداد و ظاهر و باطن و جمیع صفات وجودیه در عین وجود مستهلک می‌گردد و صفات سلبیه و هر چه ظاهر است در ظاهر و باطن در غیب راجع است به حضرت وجود (نقل به مضمون، شاه

ولی، ج ۲، ۲۵۳۶، ص: ۳۷۳)

۲-۲-۴. قاب قوسین و او آدنی

خبر دارم ز او آدنی به جان سید عالم

به جان سید عالم خبر دارم ز او آدنی

اشاره است به آیه ۹ سوره النجم "فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ" که یکی از اصطلاحات و تعبیرات عرفانی است که در فرهنگ اصطلاحات عرفانی اینگونه به آن اشاره شده است:

«در بیان فاصله پیامبر (ص) با جبرئیل هنگام نزول وحی. به نزد عارفان مقام قرب الهی و اسمائی به اعتبار تقابل میان اسماء در امر الهی است مانند ابداء و اعاده و نزول و عروج و فعالیت و قابلیت که آن را دایره وجود می‌خوانند. نیز گفته‌اند قاب اشاره به دایره وجود و امکان؛ و قوسین اشاره بدین دو دایره است. چون سالک قدم از مقام هستی بیرون نهد و فانی شود در وجود حق منطوی می‌گردد. و دایره امکان، قرب یافت

به دایره وجود؛ و وجود و امکان یکی

می‌شود.» (سجادی، ۱۳۸۹، ص: ۶۳۲)

۳-۲-۴. وحدت وجود را با تأثیر از آیه ۱ سوره نساء " يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا" و آیه ۱۸۹ سوره اعراف " هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا لِيُنزِلَ آتِنَا صَالِحًا لَنَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ" چنین شرح می‌دهد:

روح اعظم جوهر نورانی است

جوهر نورانی ربانی است

یعنی روح اعظم جوهری است نورانی که به اعتبار

جوهریت نفس واحده است. قال الله تعالى: خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ - ای مردم از پروردگارتان پرهیزید که شما را از یک تن آفرید.»

به سخن مشهور منصور حلاج می‌پردازد.

نقد گنج کنت کنزا را طلب

چون گدایان چند جوی پولکی

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۵۷۳)

(حدیث کُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَفْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرَفَ)

نفس خیرالمرسلین است آن ولی کردگار

لا فتی الا علی لا سیف لا ذوالفقار

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۵۸۸)

حدیث جوانمردی علی (ع)

که همه ظاهرند و باطن یار

لیس فی الدار غیره دیار

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۵۹۶)

اسم اعظم نزد ما باشد قدیم

معنی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۶۰۶)

رحمت ۴-۲-۴

شاه با تقسیم رحمت الهی به ذاتیه و صفاتیه و تقسیم آن دو به رحمت عامه و خاصه با استناد به آیات ۱۰۷ سوره انبیاء، آیه ۱۵۶ سوره اعراف به تبیین اصطلاح عرفانی رحمت می‌پردازد:

«رحمت الهیه منقسم است بر قسمین: ذاتیه و صفاتیه، و هر یکی از این دو قسم منقسم به رحمت عامه و خاصه و چهار اصول و امهات‌اند، متفرع‌اند از این امهات اربعه ۹۶ فروعات و رحمت: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء/ ۱۰۷) وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ: وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (اعراف/ ۱۵۶). و حکم عام، خاص است به رحمت عامه؛ اما رحمت خاصه ذاتیه محض عنایت حضرت الهی است، كما قال جل ذكره: إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (اعراف/ ۵۶). این رحمت از آثار حب الهی است بر بعضی عباد، بی اسباب طاعات و عبادات و وسایل علم و عمل، چنانکه حق تعالی در حق خضر فرمود: آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف/ ۶۵). (شاه ولی، ۲۵۳۶، ج ۲، ص: ۲۶۶-۲۶۵)

۴-۲-۵. مشاهده

مشاهده در نزد عارفان عبارت از حضور حق است. مشاهده از کسی درست آید که به وجود شهود قائم بود نه به خود (سجادی، ۱۳۸۹، ص: ۷۲۳)

شاه نعمت الله ولی با تأثیر از آیه ۵۳ سوره فصلت به توضیح اصطلاح مشاهده، در رساله بیان اصطلاحات خود می‌پردازد:

«المشاهده: در بدايات اعتقاد حضور حق بذاته به هر

شیء و ایمان به این، لقله تعالی: **أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ**. و در نهایت معاینه حق ذات او به ذات او استمرار که لازم تمکن است در عین جمع در حال محو رسم "در عین ازلیت به کلیت" (شاه ولی، ۱۳۵۷، ج ۴، ص: ۱۸۱)

۳-۴. بیان مضامین اخلاقی با تأثیر از قرآن و روایات شاه نعمت الله ولی در رساله نصیحت نامه خود که خطاب به فرزندش نوشته شده مباحث اخلاقی بسیاری را مطرح می‌کند که البته هر آنجا که لازم دیده با آوردن آیه، حدیث و یا سخنی از بزرگان به کلام خود اعتبار و سندیت می‌بخشد که در ذیل به نمونه‌هایی از این نوع از تأثیر پذیری شاه از قرآن و حدیث اشاره می‌کنیم:

۱-۳-۴. ناظر و منظور

تاکید بر ناظر بودن خداوند در همه احوال و پرهیز از این غفلت آن هم با تأثیر از آیه ۴ سوره حدید چنین می‌فرماید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» «هر کجا که باشید او با شماست» در هر حال که باشی از محول الاحوال غافل مباش» (شاه ولی، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۳۸۸)

۱-۳-۵. طهارت جسم و روح

مطهرگردانیدن ظاهر از گناهان و باطن از وسوسه‌های شیطانی تا همه حال خدا با انسان باشد با تأثیر از حدیث نبوی (ص): «ظاهرت از معاصی طاهر باد و باطن از وساوس و هوا جس معصوم. آن دائم دریاب تا دائم با آن باشی، قال رسول الله (ص): **إِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ** - از فراست مؤمن بپرهیزید که او به نور خدا می‌نگرد. (همان منبع، ص: ۳۹۳)

۱-۳-۶. عدالت حاکم و مسئولیت پذیر بودن او:

«کام این سلطان عادل از خدا خواهم مدام زانکه باشد پادشاه عادل ما والسلام

در اصطلاح آوردن معانی بسیار با کلمات کم می‌باشد و شرط اشاره را بر معانی عمیق و بسیار در فقرات کلام و مصاریع ابیات دانسته‌اند. (اسفندیار پور، ۱۳۸۴، ص: ۲۰۳)

یعنی آوردن هر گونه تفسیر و شرح در صنعت اشاره مردود است و به تعبیر دیگر اشاره همان صنعت ایجاز در علم بدیع می‌باشد.

شواهد:

خوش بیا ای یار بسم الله بگو

هر چه می‌جویی ز بسم الله بجو

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۵۵۳)

در بیت بالا به **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** اشاره شده که در ۱۱۳ سوره قرآن کریم (باستثنا سوره توبه) آمده است.

لوح دل را ز نقش غیر بشو بشنو ایاک نعبد میگو
نون جمع است نیک دریابش معنی نون نعبد می جو

(شاه ولی رسائل، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۱۶)

اشاره به سوره فاتحه الکتاب دارد.

گنجی و قناعتی اگر دست دهد

پیش تو فرشته دست بر دست

(شاه ولی رسائل، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۱۸۸)

اشاره به حدیث **الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَعُ** (قناعت گنجی است که از بین نمی‌رود).

تلخی صبر اگر گلو گیر است

عاقبت خوش گوار خواهد بود.

(شاه ولی رسائل، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۱۹۷)

اشاره به حدیث **الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ**.

صفت صابران همچون ما است

وین دلیل من از کلام خدا است

(شاه ولی رسائل، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۱۸۸)

نصیحت: قال رسول الله (ص): **أَلَا كَلِّمُ رَاعٍ وَ كَلِّمُ مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ**.

مصراع:

همه را این سؤال خواهد بود.

ای شاه رعیتی که حق داد به تو

در ذم تست آن رعایت می کن

از نیک و بد اهل ممالک می پرس

تحقیق رعیت ولایت می کن

(شاه ولی، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۴۰۲)

۴-۳-۴. مشورت کردن در کارها با استناد به آیه ۱۵۹ سوره آل عمران:

«نصیحت: قال الله تعالى: **وَشَاوِرْهُمْ فِي**

الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» - و با آنها در کار مشورت

کن و چون عزم کردی بر خدا توکل کن (شاه ولی،

۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۴۰۴)

۵. تجلی قرآن و حدیث در کلام شاه نعمت الله ولی از جنبه علم بدیع:

همانگونه که روشن و واضح است موضوع علم بدیع،

رموز فصاحت و بلاغت در جهت افزایش اثر بخشی

کلام می‌باشد که بدون شناخت آنها ورود به این علم

ناممکن است. خواننده با آگاهی از رموز فصاحت و

بلاغت لذت بیشتری از مطالعه مطالب خواهد برد.

صناعات بدیعی را سه قسم نامیده‌اند: ۱- صناعات

لفظی ۲- صناعات معنوی ۳- صناعات لفظی و معنوی.

از آنجا که پژوهش و تحقیق ما مربوط به بخش دوم

یعنی صناعات معنوی است پس لازم است قبل از ورود

به طرق اثر پذیری شاه از قرآن با توجه به هر یک از

صناعات معنوی تعاریفی از هر یک مزید اطلاع

خوانندگان ارائه گردد.

۱-۵. اشاره

اشاره به آیه ۲۴ سوره سجده دارد: **وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ** (از آنها پیشوایانی را قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند، چون شکیبائی کردند و به آیات ما باوری داشتند).

صدق ما باد دائم ارزانی نزد

ما صدق به ز سلطانی

(شاه ولی رسائل ۱۳۵۷، ج ۴، ص: ۱۴۳)

اشاره به آیه ۲ سوره یونس دارد: **..... وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ** (.... به کسانی که ایمان آوردند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارش سابقه نیک است).

۲-۵. تلمیح

در لغت یعنی به گوشه چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیث معروفی اشاره کند. (همایی، ۱۳۶۴، ص: ۳۲۸)

بهترین تلمیح آن است که ذهن شاعر و نویسنده تنها تاثیری از حدیث یا آیه پذیرفته باشد نه اینکه آیات و احادیث را عیناً از تازی به پارسی در آورد. (حلی، ۱۳۹۴، ص: ۳۵)

شواهد:

نرفته‌ای تو به شرق نیامدی از غرب

تو را زعرش و زرحمن و استوا چه خبر

(شاه ولی، ۱۳۶۲، ص: ۱۶)

عرش در این بیت تلمیح و اشاره‌ای است به **وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا**... (هود / ۷) (او خدایی است که آسمان و زمین را در فاصله شش روز آفرید و

عرش با عظمت او برآب قرار یافت تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است...).

رحمن و استوا تلمیح به آیه شریفه **"الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى"** (طه/۵) (آن خدای مهربانی که بر عرش عالم وجود، به علم و قدرت محیط است).

در صورت و معنیش نظر کن به تمام

تا دریایی که یوسف و پیرهنی است

(شاه ولی، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۲۶۵)

تلمیح و اشاره‌ای دارد به داستان حضرت یوسف و بدین وسیله شاه می‌کوشد تا با بیان این داستان به این نکته عرفانی اشاره نماید که از صفات (پیرهن) به ذات الهی یوسف شناخت پیدا کند. (سوره یوسف)

به حقیقت اگر یقین داری

علم و عین و حق چنین داری

(شاه ولی رسائل، ۱۳۵۷، ج ۴، ص: ۱۹۱)

که تلمیح و اشاره‌ای دارد با سوره حجر آیه ۹۹ **(وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ)** (و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو فرارسد).

چرخ کیوان مسکن خاص خلیل الله بود

رب تجلی کرده نور او به کیوان یافتم

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۲۱)

تجلی نور مکاشفه است که از باری تعالی بر دل عارف ظاهر می‌گردد. در عرفان نظری و حکمت اشراقی و ذوقی و خلقت جهان عبارت از تجلی حق است که همه چیز را آفریده است و تجلی سه قسم است: اول: تجلی ذات و علامتش اگر از بقای وجود سالک چیزی مانده بود فنای ذات و تلاشی صفات است در سطوات انوار، آن را صعقه نامند **(فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ)** (اعراف/۱۴۳).

دوم: از تجلیات صفات است و علامت آن اگر

وَأَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ يَشْهَدُنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (وزمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت، و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ و فرمود "آری، گواهی می‌دهیم" روز رستاخیز بگویند: ما از این، غافل بودیم.)

(الوفاء بالعهد: خروج است از عهده عهده‌ای که با رب خود بسته‌ای در زمان اقرار به ربوبیت، و در جواب أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ، بلی گفته‌ای، و به عبادت عامه معلول بود به رغبت در وعد و رهبت به وعید) (شاه ولی رسائل، ۱۳۵۷، ج ۴، ص: ۳۴)

(القرب: عبارت است از وفاء به عهد سابق میان حق و بنده

به خدا عهد بسته‌ام به خدا

نشکنم عهد با خدا بسته

فی قوله تعالی: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ. و این خاص به مقام قاب قوسین). (شاه ولی رسائل، ۱۳۵۷، ج ۴، ص: ۱۴۳)

نکنه قابل توجه در این عبارت آن است ضمن آنکه تضمین و اقتباس آیه مذکور با اصل موضوع در ارتباط می‌باشد مضمونی تازه از آن آیه نیز استنباط می‌کند و آن قرب است که می‌گویند قرب عبارت است از طاعت است زیرا که طاعت موجب تقرب مطیع به مطاع می‌شود و قرب را اطاعت دانند که مسبب طاعت است). (سجادی، ۱۳۸۹، ص: ۶۳۷).

همه ارواح ما بلی گفتند

همه خاشاک شرک را رفتند

(شاه ولی رسائل، ۲۵۳۶، ج ۲، ص: ۲۰۲)

از بلا چون کار ما بالا گرفت

مبتلاییم و بلا جوییم ما

ذات قدیم و صفات جلال تجلی کند از عظمت و قدرت و کبریا و جبروت خشوع و خضوع بود (إِذَا تَجَلَّىٰ اللَّهُ لِيُذِيبَهُمْ خَشَعُوا لَهُ) (هر گاه خداوند بر چیزی تجلی کرده و بر چیزی تجلی کند آن چیز در برابر او خاشع شود). قسم سوم: تجلی افعال است و علامت آن قطع نظر از افعال خلق و اسقاط اضافات خیر و شر و نفع و ضرر بدیشان و استوار مدح و ذم قبول و رد خلق. (سجادی، ۱۳۸۹، ص: ۲۲۳-۲۲۴)

حی و قیوم و قدیم و لم یزل

هر کسی را داده چیزی از ازل

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۱۸)

حی و قیوم اشاره به آیه شریفه "اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ" خدای یکتاست که جز او خدایی نیست، زنده و پاینده است. (بقره / ۲۵۴)

۳-۵. تضمین:

آن است که شاعر مصرع یا ابیاتی یا حدیث و آیه‌ای بر سبیل عاریت نه بر وجه سرقت در میان ابیات و نوشته‌های خود بیاورد. (اسفندیار پور، ۱۳۸۴، ص: ۲۵۲)

تضمین در صورتی پسندیده است که شاعر یا نویسنده، آیه یا حدیثی مناسب با اصل موضوع بیاورد و مضمونی تازه خلق نماید. (نقل به مضمون، همان منبع، ص: ۲۵۵)

شواهد:

ما بلا را به جان خریداریم

گر چه هستیم مبتلای بلا

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۷)

که شاه نعمت الله ولی در این بیت و ابیات و عبارات بعدی را از آیه ۱۷۲ سوره اعراف تضمین کرده است (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ طُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۸)

از بلایش لذتی داریم خوش

این کس داند که چون ما مبتلاست

(شاه ولی دیوان، ۱۳۵۷، ص: ۵۲)

و باید که بدانی که با که عهد بسته‌ای و کدام عهد شکسته‌ای، اگر چه از آیه: *أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ*، دانسته‌ای که عهد بسته‌ای، اما باید که بدانی که چون بسته‌ای.

با خدا عهد بسته‌ام به خدا

نشکنم عهد با خدا بسته

(شاه ولی رسائل، ۱۳۵۷، ص: ۴۷۱)

سرمست شراب ازل و جام الستیم

در مجلس ما ساقی ما غیر خدا نیست

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۱۲۹)

از بلا چون کار ما بالا گرفت

مبتلا شو در بلا بالا نگر

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۲۸۰)

ابیات و عبارات زیر تضمینی از حدیث الفقر فقری و به افتخر و آیه ۱۵ سوره فاطر " *يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ* " (ای مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی

بالذات و ستوده صفات است.)

(و مخلوقات را نیستی صفت ذاتی است و هستی عرضی و اکابر و اشراف مباحات به ذاتیات کنند نه به عرضیات کما قال نبینا الفقر فخری)(شاه ولی رسائل،

۲۵۳۶، ص: ۲۶)

پس بلند است آستانه فقر

کس نبوسیده است آستانه فقر

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۵۸۵)

فقر حقیقی عبارت از عدم تملک است، پس هر وقتی که فقیر به مرتبه‌ای رسد که او را اصلاً تملیک نماند، او را فقر حاصل شده باشد، و او را رسد که افتخار بر کائنات کند که رسول (ص) بدین فقر فرموده است. (شاه ولی رسائل، ۲۵۳۵، ج ۱، ص: ۱۶۷)

ما غنای انسان به هر چه دارد از آن غنی است به آن، و اگر خواهی بگو اعلی رتبه انسان کامل فقر است به همه اشیاء. (شاه ولی رسائل، ۲۵۳۶، ج ۲، ص: ۴۱۶-۴۱۵)

شاهان نظری کن که فقیران توایم

گر نیک و بدیم هر چه هست آن توایم

فرمان تو را کمر به جان می‌بندیم

زیرا که همه بنده فرمان توایم

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۶۵۱)

او غنی است از همه عالم

این و آن سر بسر بدو محتاج

اما رتبت غنا در عالم، غنا است از عالم به عالم، و انسان کامل اگر چه غنی است از عالم به اعتباری، به اعتباری فقیر است و محتاج به جمیع افراد عالم، زیرا که حق تعالی در مریای عالم بر وی تجلی کرده.(شاه

ولی رسائل، ۲۵۳۶، ج ۲، ص: ۲۷۰)

۴-۵. حل یا تحلیل

حل در اصل به معنی گشودن و در اصطلاح یعنی سخن منظوم را تبدیل به نثر کردن است. اگر حل بر وجه اقتباس یا برای ترجمه و شرح یا تفسیر باشد امری است پسندیده و جزء محاسن بدیعی است و گر نه آن را نوعی از دستبردهای ادبی می‌توان شمرد. (همایی،

۱۳۶۴، ص: ۳۷۲)

بر همین اساس نویسنده یا شاعر آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از احادیث را به طور کامل یا ناقص در عبارات و اشعار خود می‌آورد به طوری که در آن آیه

را بر وزن شعر حل کرده و در آن تغییراتی داده است. (حلبی، ۱۳۹۴، ص: ۴۱)
شواهد:

محرم راز نعمت الله شو

خوش بگو لا اله الا هو

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۶۱۹)

باش با عاشقان او یک رو

خوش بگو لا اله الا هو

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۴۴۲)

هو هو لا اله الا هو من

چه گویم جز او چه دانم

(شاه ولی دیوان، ۱۳۷۵، ص: ۳۵۰)

ورد صاحب نظران فاتحه روی تو باد

قل هو الله احد حرز دو ابروی تو باد

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۲۱۱)

صنعت تحلیلی است از سوره توحید

عارفانه بیا و خوش میگو

وحده لا اله الا هو

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۵۱۹)

قاب قوسین از میان بر داشته

واقف اسرار او ادنی شده

لیس فی الدار غیره دیار

وحده لا اله الا الله

(شاه ولی دیوان، ۱۳۶۲، ص: ۵۳۵)

تحلیلی از آیه ۹ سوره نجم که خداوند می فرماید: فَكَانَ

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (تا فاصله اش به قدر [طول] دو

[انتهای] کمان یا نزدیک تر شد.

نتیجه گیری

۱- از ویژگی های ادبیات عرفانی منشور و منظوم

شاه نعمت اله ولی، استفاده وسیع از آیات و

روایات، نثر مغلق و سنگین و مشحون از مباحث عرفان نظری و تکرار مضامین، اشعار، آیات و احادیث است.

۲- آیات و روایات هم به صورت آشکار و هم صورت پنهان در آثار شاه تجلی فزون از شماری یافته اند.

۳- هدف شاه از به کار بردن آیات و روایات، معنویت بخشی به کلام، تحکیم بخشی به بیان عقاید و به مانند همه عرفای قرن ششم به بعد رواج عقاید عرفانی است.

۴- شاه در بیان مبانی عرفان نظری چون وحدت وجود و در تفسیر عرفانی به دلیل نگارش رسائل تفسیری به ابن عربی و عبدالرزاق کاشانی و میبیدی توجه داشته و در بیان مبانی عرفان عملی، تبیین اخلاقی و توجه به مسلک عشقه بایزیدین بسطامی علاقه ویژه ای نشان داده است.

۵- با بررسی و تحلیل کیفی و کمی آیات و روایات و فراوانی آنها در آثار شاه نعمت الله ولی می توان به میزان اهتمام او به مباحث عرفانی چون؛ تجلی، وحدت وجود، وحدت و کثرت، اسماء و صفات حق، فیض اقدس و مقدس، حقیقت محمدیه، انسان کامل، احدیت و واحدیت، شهود پی برد.

۶- تفسیر و تأویل آیات با گرایش عرفانی از شاخصه های تفسیری اوست. شاه دارای رساله های مستقل در تفسیر آیات و سور است.

۷- استفاده از آیات و احادیث در شرح مصطلحات عرفانی و تبیین و رواج آنها در آثار شاه به وفور دیده می شود.

۸- استفاده از آیات و احادیث برای ترویج اخلاق و عرفان عملی نیز در آثار او رواج گسترده ای

- درد و حتی برخی رسائل او به صورت مستقل در حوزه اخلاق است.
- ۹- تسلط شاه بر ادبیات از دیوان اشعار او هویدا است. تسلط او نیز در به کارگیری آیات و روایات به انواع فنون ادبی چون؛ اشاره، تلمیح، تضمین و تحلیل کم نظیر است. استفاده از آیات و روایات همراه با صنایع ادبی، حلاوت ویژه‌ای به اشعار شاه بخشیده است.
- منابع:
- قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، انتشارات دارالقرآن کریم، ۱۳۷۸
- اسفندیار پور، هوشمند، عروسان سخن، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۸۴
- حلبی، علی اصغر، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴
- راستگو، سید محمد، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۹۳
- زاکری احمد، سبک و نوع ادبی آثار شاه نعمت الله ولی، سرپرده عشق، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۳
- سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، انتشارات طهوری، ۱۳۸۹
- سعادت حقیقت، احوالات و فضایل و کمالات شاه نعمت الله ولی، تهران: انتشارات دانشگاه
- شهدید باهنر کرمان، ۱۳۸۳
- شاه نعمت الله ولی، دیوان، با مقدمه استاد سعید نفسی، انتشارات محمد علمی، ۱۳۶۲
- شاه نعمت الله ولی، دیوان، با مقدمه سعید نفسی، انتشارات نگاه، ۱۳۷۵
- شاه ولی، سید نور الدین، رساله‌های حضرت شاه نعمت الله ولی، انتشارات خانقاه نعمت الهی، ۲۵۳۵-۱۳۵۷
- شمیسا، سیروس، فرهنگ تلمیحات، نشر میترا، تهران ۱۳۸۵
- شوتس، یانس، شاه نعمت الله ولی کرمانی همچو شاعر عرفانی، سرپرده عشق، انتشارات دانشگاه باهنر کرمان، سال ۱۳۸۳
- عبدالرزاق کرمانی، جامع مفیدی، عبدالعزیز واعظی، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولی کرمانی، به تصحیح و مقدمه ژان اوپن، طهوری، ۱۳۶۱
- فرزام حمید، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی، سروش، تهران ۱۳۷۴
- نوریبخش کرمانی جواد، زندگی و آثار قطب الموحدین جناب شاه نعمت الله ولی و فرزندان او، خانقاه نعمت الهی، تهران ۱۳۳۷
- همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات طوس، ۱۳۶۴